

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١٠١٠٢٥



دانشگاه باقر العلوم

رساله دکتری

عنوان:

**روحانیت و تجدد**  
**جریان شناسی فکری سیاسی روحانیت**  
**در دوره جدید**

استاد راهنما:

حجت الاسلام دکتر داود فیرحی

استادان مشاور:

حجت الاسلام دکتر منصور میراحمدی

حجت الاسلام علیرضا امینی

نگارنده:

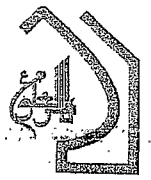
عبدالوهاب فراتی

۱۳۸۶

کتابخانه باقر العلوم  
تاسیس ۱۳۸۶

۱۳۸۷ / ۳ / ۲۳

۱۰۱۵۶۸



دانشگاه باقر العلوم  
(غیر دولتی - شهر اصفهان)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صورتجلسه دفاع از رساله دوره دکتری

با تأییدات خداوند متعال و با استعانت از الطاف حضرت ولی عصر (عج) الله تعالی فرجه الشریف جلسه دفاع از رساله دوره دکتری آقای خانم عبدالرحمن فراسی رشته علم سبک گرایش روحانیت و تجرد (جهان شناسی، فلسفه، کلام، فقه، اصول، روایات) در دوره جدید

با حضور استاد راهنما و اعضای هیأت داوران در محل دانشگاه باقر العلوم (اصفهان) در تاریخ ۲۰/۶/۸۶ برگزار شد. به موجب ماده ۲۳ آیین نامه دوره دکتری، ارزشیابی هیأت داوران به شرح زیر است:

- قبول با (درجه بی ضرب امتیاز ۹۱/۷۸)  دفاع مجدد  مردود
- عالی (۹۶ - ۱۰۰)
- بسیار خوب (۹۱ - ۹۵)
- خوب (۸۵ - ۹۰)
- قابل قبول (۷۵ - ۸۴)

محل امضاء	رتبه علمی	نام و نام خانوادگی	اعضای هیأت داوران
	دانشیار	دکتر داور فرسی	۱. استاد راهنما:
	استاد	دکتر سحر میرآهوی	۲. استاد مشاور:
	استاد	دکتر سعید قضا استی	۳. استاد مشاور:
	استادیار	دکتر احمد واعظی	۴. نماینده شورای تحصیلات تکمیلی دانشگاه:
	استاد	دکتر سعید فاضلی	۵. اساتید ناظر:
	استادیار	دکتر محمد ادراسی	(الف)
	استاد	دکتر حسن نژاد	(ب)
	استاد	دکتر غلامرضا غریب زاده	(ج)
			(د)

## تقدیم به:

روحانیت فعال و بیداری که هم به سنت  
آگاه است و هم دنیای جدید را به  
حقیقت می‌شناسد

## سپاس و امتنان

این رساله، اگر ارزشی در مجموعه تلاشهای تحقیقاتی داشته باشد مدیون راهنمایی، همکاری و همدلی انسانهای بسیاری است که بدون آنها، شاکله این پژوهش هرگز شکل نمی‌گرفت قبل از همه، بر خود لازم می‌دانم از راهنمایی‌ها و زحمات بی‌شائبه استاد ارجمند جناب آقای دکتر داود فیرحی تشکر کنم که با حوصله این پژوهش را راهنمایی کردند. از استاد گرانقدر حجت الاسلام و المسلمین علیرضا امینی و دکتر منصور میراحمدی سپاس گزارم که مشاوره این پژوهش را پذیرفتند و ایرادات مهمی بر کار گرفتند.

هم چنین از دکتر سید محمدعلی حسینی‌زاده، دکتر محمد پزشکی، دکتر سید صادق حقیقت، دکتر مسعود پورفرد، دکتر جواد ارسطو، دکتر علیرضا بهشتی و دکتر غلامرضا بهروز لک، تقدیر می‌کنم، لازم می‌دانم از دکتر محمد ستوده مدیر گروه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع) و حجت الاسلام پارسانیا و دکتر احمد واعظی، ریاست سابق و کنونی آن دانشگاه که پژوهش حاضر در دوره تصدی آنان انجام گرفت و به مساعدت آنان مراحل اداری را طی کرده است، قدردانی کنم.

فرصتی است که از همسر، خانم مریم امینی، و فرزندانم زهره و سعید که همواره مشکلات تحصیل مرا تحمل کردند و کوتاهی دائمی مرا از انجام وظایف خانوادگی، کریمانه نادیده گرفته‌اند تشکر کنم و صفحات این نوشته را به آنها تقدیم نمایم.

## چکیده

در پاسخ به این پرسش که فهم روحانیت از مدرنیته چیست؟ و در قبال آن چه موضع و نسبتی برقرار کرده است؟ این رساله می‌کوشد با بصیرت و بینشی هرمنوتیکی، به حقیقت و شرایط حصول فهم روحانیت از تجدد نائل آید. این رساله، در آغاز می‌کوشد تبار و زمینه فهم روحانیت از تجدد را در درون تاریخ و سستی که حوزه علمیه قم در درون آن شکل گرفته، بررسی و سپس چرخش هرمنوتیکی آن را در سال‌های پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی نشان دهد. بدون تردید روحانیت در این سال‌ها به خودفهمی و دگرفهمی میمونی دست یافته و به امکان‌های وجودی خود توسعه بخشیده است. بررسی‌های این پژوهش نشان می‌دهد که فهم روحانیت از غرب تا حدودی بر خلاف سال‌های قبل از انقلاب از الگوی واحدی پیروی نمی‌کند و دچار تفاوت‌های جدی شده است. امروزه برخی روحانیون کلیت مدرنیته را به چالش کشانده و بنوعی در صدد احیای تفکر سنتی یا سامانه گذشته‌اند. برخی دیگر، که در این رساله از آنها به روحانیون طبقه متوسط یاد می‌کنیم، به پذیرش بسیاری از مولفه‌های آن تن می‌دهند، برخلاف سنتی‌ها، نگاهی تئولوژیک به آن ندارند، مسائل غرب به عنوان شبهه بررسی نمی‌کنند و سعی می‌کنند برای دریافت بهتر غرب به آثار کلاسیک و جدید آن مراجعه نمایند. گروهی دیگر ضمن مقاومت در قبال مفهومی به نام غربگرایی، اما بنا به الزامات زمان و مکان، جنبه‌هایی از مدرنیته را پذیرفته و تعامل اسلام و مدرنیته را از طریق هم‌نهادسازی دنبال می‌کنند. و بالاخره اینکه گروهی دیگر از روحانیون از مسیر نقدی که بر حوزه حدیث محور و عقلانیت استعلایی حاکم بر آن روا می‌دارند بنوعی با عقلانیت و خردورزی جدید هم‌افق می‌شوند. هر یک از این جریان‌ها، در درون به گونه‌ها و دیسپلین‌های متنوعی تقسیم و بدین‌گونه حوزه علمیه قم را از این حیث متکثر می‌سازند.

## فهرست مطالب

۷	..... طرح تحقیق
۸	..... ۱- بیان مسأله
۱۱	..... ۲- اهداف، فایده و اهمیت تحقیق
۱۲	..... ۳- سوال اصلی و پرسشهای فرعی
۱۲	..... ۴- فرضیه پژوهش
۱۳	..... ۵- مفاهیم کلیدی پژوهش
۱۸	..... ۶- ادبیات پژوهش
۲۵	..... ۷- مسأله روش و تمهیدات نظری
۲۷	..... ۸- سازمان‌دهی پژوهش
۲۸	..... هرمنوتیک و فهم هرمنوتیکی روحانیت از تجدد
۳۱	..... ۱- پیش‌آمد بودن فهم روحانیت از تجدد
۳۲	..... ۲- تاریخ‌مندی فهم روحانیت
۳۲	..... الف - دخالت پیش فرضها و پیش‌داوریها در فهم روحانیت
۳۵	..... ب - فهم متن یا نادیده گرفتن قصد روحانیت
۳۶	..... ج - باز آفرینی فهم روحانیت از تجدد
۳۷	..... د - اطلاق یا روز آمد سازی متن روحانیت
۳۷	..... ۳- زبان مندی فهم روحانیت از تجدد
۳۹	..... تبارشناسی فهم روحانیت از تجدد
۴۱	..... گفتار اول: حوزه علمیه قم بین سالهای ۱۳۰۲ تا ۱۳۲۰
۴۱	..... ۱- حوزه علمیه قم و افق معنا
۴۲	..... الف - مشروطه و انزوای روحانیت
۴۵	..... ب - رضا خان و گریز روحانیت
۴۸	..... ج - حائری؛ حمله و دفاع
۵۰	..... ۲- روحانیت، زبان و فهم تجدد
۵۴	..... ۳- روحانیت و فردی شدن فقه

- گفتار دوم: حوزه علمیه قم بین سالهای ۱۳۲۰ - ۱۳۴۰ ..... ۵۸
- ۱ - عبور از محدودیت و فعال شدن نسبی روحانیت ..... ۵۸
- الف - روحانیت و اندیشه تشکیل حکومت اسلامی در مرزهای ملی ..... ۶۲
- ب - فدائیان اسلام و اندیشه حکومت اسلامی ..... ۶۹
- ۲ - حوزه علمیه قم و نشانه‌هایی برای تغییر ..... ۷۴
- ۳ - چپ و تقدیر تاریخی روحانیت ..... ۷۸
- الف - روحانیت و هژمونی چپ ..... ۸۰
- ب - گفتگو در کرانه و منازعه با متن ..... ۸۷
- گفتار سوم: حوزه علمیه قم بین سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷ ..... ۹۳
- ۱ - حوزه علمیه قم و منازعه با سیاست ..... ۹۳
- ۲ - روحانیت و دستیابی به نظریه سیاسی حکومت ..... ۹۸
- ۳ - روحانیت و شیوه‌های نوین مبارزه ..... ۱۰۵
- ۴ - صورت بندی روحانیت حوزه علمیه قم ..... ۱۰۸
- ۵ - روحانیت؛ مواجهه و آگاهی ..... ۱۱۰
- ۶ - قطبی شدن حوزه علمیه قم و پیروزی سیاسیون ..... ۱۱۸
- انقلاب اسلامی؛ گسست یا تداوم در فهم روحانیت از تجدد** ..... ۱۲۷
- گفتار اول: روند نوگرایی در حوزه علمیه قم** ..... ۱۲۸
- ۱ - حوزه علمیه قم و نوگرایی دینی ..... ۱۲۹
- ۲ - حوزه علمیه و مطبوعات مدرن ..... ۱۳۱
- ۳ - اصلاحات ساختاری در حوزه علمیه قم ..... ۱۳۲
- ۴ - حوزه علمیه و برابری زنان ..... ۱۳۳
- ۵ - حوزه علمیه و ظهور دانشگاه‌های مدرن ..... ۱۳۳
- ۶ - کامپیوتر و ظهور بیوت مجازی ..... ۱۳۴
- گفتار دوم: روحانیت و همنهادگرایان اسلام و مدرنیته** ..... ۱۳۶
- گفتار سوم: آیت الله مصباح؛ شورشی محافظت گرایانه علیه غرب** ..... ۱۴۱
- ۱ - زندگی و نگرش ..... ۱۴۱
- ۲ - آیت الله مصباح و غرب ..... ۱۴۶
- ۳ - آیت الله مصباح، زبان و فهم مدرنیته ..... ۱۵۰
- ۵ - آیت الله مصباح، سیاست و اقتدار فقیه ..... ۱۵۳
- چالش مدرنیته و بازگشت به سنت** ..... ۱۵۸
- درآمد: مختصات عمومی سستی‌های حوزه علمیه قم** ..... ۱۵۹
- گفتار اول: روحانیت و اسلام ناب سستی** ..... ۱۶۲
۱. اصول حاکم بر تفکر سستی ها ..... ۱۶۲
- الف - اولویت و اقتدار سنت ..... ۱۶۲



- ب\_ اصالت جغرافیای عصر معصوم (ع) ..... ۱۶۲
- ج\_ اصالت تعینات تاریخی ..... ۱۶۳
۲. آیت الله سید محمود موسوی ده سرخی ..... ۱۶۴
- الف\_ ده سرخی و مسأله زن ..... ۱۶۶
۱. منابع عام علوم اسلامی ..... ۱۶۶
۲. منابع خاص حوزویان درباره زن ..... ۱۶۷
۲. نقصان عقل زنان ..... ۱۶۷
۳. منع مشورت با زنان ..... ۱۶۸
۴. خروج از منزل ..... ۱۶۸
۵. آموزش و تعلیم زنان ..... ۱۶۹
۶. مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان ..... ۱۷۰
- ب\_ ده سرخی و متارکه‌ی روزگار ..... ۱۷۰
۳. آیت الله رستگار جویباری ..... ۱۷۳
- الف\_ عناصر هویت بخش جامعه شیعی ..... ۱۷۴
۱. قمه زنی: ..... ۱۷۴
۲. تحدید نسل یا کنترل جمعیت: ..... ۱۷۵
۳. تأکید بر اجرای احکام در ملاء عام ..... ۱۷۶
۴. غنا و موسیقی، ابزار و مسایل آن ..... ۱۷۶
- ب\_ اسلام؛ اجتماع و سیاست ..... ۱۷۷
۱. رستگاری و دولت دینی در ایران ..... ۱۷۷
۲. رستگاری و وحدت شیعه و سنی ..... ۱۷۹
۳. روحانیت، حوزه و مرجعیت ..... ۱۷۹
۴. رستگاری و مسأله زن ..... ۱۸۰
- ۴\_ آیت الله محمد تقی صدیقین اصفهانی ..... ۱۸۰
- الف \_ صدیقین و مسأله زن ..... ۱۸۲
- ب \_ صدیقین و مسأله ولایت فقیه ..... ۱۸۳
- ج \_ صدیقین و عصر تسامح ..... ۱۸۳
- ۵\_ آیت الله سید تقی طباطبایی قمی ..... ۱۸۴
- الف \_ قمی و مسأله ولایت فقیه ..... ۱۸۵
- ب\_ قمی و اصرار بر کلام خلاف ..... ۱۸۵
- گفتار دوم: مهدی نصیری و بازگشت به گذشته ..... ۱۸۷
- ۱\_ چالش سلفی مدرنیته ..... ۱۸۸
- ۲\_ توفیقی بودن علوم ..... ۱۹۱
- ۳\_ دین و علوم جدید ..... ۱۹۲
- ۴\_ راهبرد اقدام و انتظار ..... ۱۹۴
- ۵\_ ظهور مهدی (ع) و تمدن جدید ..... ۱۹۵

۱۹۷	۶- نصیری و مساله زن .....
۲۰۱	گفتار سوم: فرهنگستان علوم اسلامی، شورشی فلسفی علیه مدرنیته .....
۲۰۳	۱- سید منیر الدین حسینی شیرازی .....
۲۰۳	الف- مبارزه و تغییر افق .....
۲۰۹	ب- انقلاب اسلامی، پروژه‌ای ناتمام .....
۲۱۱	ج- سید منیر الدین و تشکیل شورای اقتصاد .....
۲۱۱	د- انقلاب فرهنگی، آغازی بر فلسفه شدن .....
۲۱۴	۲- موقعیت و ماهیت مدرنیته از منظر فلسفه تکامل تاریخ .....
۲۱۴	الف- محوریت خالقیت و ربوبیت خداوند در تحلیل تاریخ .....
۲۱۵	ب- جهت حاکم بر حرکت تاریخ .....
۲۱۷	ج- مراحل تاریخ از منظر فلسفه تکاملی .....
۲۱۸	د- جایگاه مدرنیته در فلسفه تکامل تاریخی .....
۲۱۹	۱. اومانیزم .....
۲۱۹	۲. راسیونالیزم .....
۲۲۰	۳. سکولاریسم .....
۲۲۰	۴. لیبرالیسم .....
۲۲۰	۵. جهانی سازی مادی .....
۲۲۱	۶. بقا یا فنای مدرنیته .....
۲۲۲	۷. ارکان اساسی تمدن مادی غرب .....
۲۲۳	۳- انقلاب اسلامی، شورش باطن عالم علیه تمدن مادی غرب .....
۲۲۴	الف- مدرنیته اسلامی .....
۲۲۴	ب) پذیرش کامل مدرنیته و اصلاح قرائت دینی .....
۲۲۵	ج) ایجاد تمدن اسلامی .....
۲۲۷	۴- فلسفه شدن اسلامی، تلاشی برای هم‌آوردی با مدرنیته .....
۲۲۷	الف- الگوهای اسلامی کردن جامعه .....
۲۲۷	۱. کفایت فقه جواهری برای اسلامی کردن جامعه .....
۲۲۷	۲. فعال کردن فقه جواهری و تکثر بخشیدن به فقیهان در ساختار قدرت .....
۲۲۸	۳. اسلامی شدن کارشناسی و نه کارشناس .....
۲۲۸	۱) مؤسسه پژوهشی و آموزشی امام خمینی .....
۲۲۸	۲) فرهنگستان علوم اسلامی .....
۲۳۰	ب- اصول انکارناپذیر در مهندسی توسعه اجتماعی .....
۲۳۰	۱. تغییر .....
۲۳۱	۲. تغییر .....
۲۳۱	۳. هماهنگی .....
۲۳۱	ج- مسائل اغماض‌ناپذیر یا ضروری در فلسفه شدن .....
۲۳۱	۱. نسبت بین وحدت و کثرت .....

۲۳۱	..... ۲. نسبت بین مکان و زمان
۲۳۱	..... ۳. نسبت بین اختیار و آگاهی
۲۳۱	..... د _ حدود اولیه فلسفه شدن
۲۳۲	..... ۱. اصالت ربط
۲۳۲	..... ۲. اصالت تعلق
۲۳۲	..... ۳. اصالت فاعلیت
۲۳۴	..... ۵_ تفسیر مسایل فلسفه شدن بر مبنای نظام ولایت
۲۳۴	..... الف _ تفسیر وحدت و کثرت
۲۳۴	..... ب _ تفسیر زمان و مکان
۲۳۴	..... ج _ تفسیر اختیار و آگاهی
۲۳۴	..... د _ تفسیر قانون
۲۳۴	..... ۶_ مبنای روش عام مدل سازی
۲۳۵	..... الف _ فلسفه فیزیک بر مبنای اصالت ولایت
۲۳۵	..... ب _ فلسفه ریاضی بر مبنای اصالت ولایت
۲۳۶	..... ۷_ روش عام مدل سازی
۲۳۶	..... ۱ _ روش تولید و تکثیر اصطلاحات
۲۳۶	..... ۲ _ روش تولید تعریف
۲۳۶	..... ۳ _ روش تولید معادلات
۲۳۷	..... ۴ _ روش تولید شاخصه عینی
۲۳۸	..... ۸_ مبانی اصول فقه احکام حکومتی
۲۳۹	..... الف _ ضرورت علم اصول فقه احکام حکومتی
۲۳۹	..... ب _ نارسایی تفقه (علم اصول) موجود در احراز حجیت مناسک اجتماعی
۲۴۰	..... ج _ تحلیل و بررسی مبانی علم اصول موجود
۲۴۰	..... د _ طرح مبانی جدید در علم اصول
۲۴۱	..... ۱. اخبار و ظهورات عرفی
۲۴۱	..... ۲. انشاء عقلایی
۲۴۱	..... ۳. احراز عقلی
۲۴۲	..... ۹_ تفسیر جدید از تأثیر مقتضیات زمان در اجتهاد
۲۴۲	..... ۱۰_ تولی فقیه و اقامه دین
۲۴۳	..... الف _ ولایت فقه
۲۴۳	..... ب _ ولایت [تولی] فقیه
۲۴۴	..... اسلام تجدید نظر طلب
۲۴۷	..... گفتار اول: آیت الله صادقی تهرانی، بازگشتی به قرآن و شورشی علیه حوزه حدیث محور
۲۴۷	..... ۱_ زندگی و نگرش
۲۵۰	..... ۲_ صادقی و نقدی بر چارچوب های رسمی شیعه
۲۵۵	..... ۳_ صادقی؛ زبان و فهم دنیای جدید

۲۵۷	۴- صادقی و حکومت شورایی
۲۵۸	الف - مفهوم ولایت
۲۵۹	ب - مفهوم شورا
۲۶۱	۵- صادقی و مطالبات زن
۲۶۱	الف - زن و مساله مشارکت در پارلمان
۲۶۲	ب - زن و مساله قضاوت
۲۶۲	ج - زن و مساله مرجعیت دینی
۲۶۴	گفتار دوم: آیت الله صالحی نجف آبادی، گفتگوگری انتقادی با سنت
۲۶۴	۱- زندگی و نگرش
۲۶۹	۲- صالحی نجف آبادی و سیاست
۲۷۰	۳- صالحی و متدلوژی نقد تفکر سنتی
۲۷۳	۴- صالحی و قرائتی دموکراتیک از حکومت دینی
۲۷۶	رکن اول- شرط فقهت حاکم اسلامی
۲۷۶	رکن دوم- انتخاب حاکم اسلامی
۲۷۷	رکن سوم - حدود و قلمرو اختیارات ولی فقیه منتخب مردم
۲۷۹	۵- حکومت دینی و مسئله اپوزیسیون
۲۷۹	الف- علی (ع) و رهبر اپوزیسیون
۲۸۰	ب - علی و حکومت اسلامی
۲۸۰	۶- صالحی و وحدت شیعه و سنی
۲۸۲	۷- صالحی و مسأله زمامداری و قضاوت زنان
۲۸۶	نتیجه‌گیری
۲۹۳	فهرست منابع
۲۹۴	الف- منابع فارسی
۲۹۴	۱. کتاب‌ها
۳۰۰	۲. نشریه‌ها
۳۰۱	۳. جزوات
۳۰۲	۴. مصاحبه‌ها
۳۰۲	ب - منابع عربی
۳۰۳	ج- منابع لاتین

**طرح تحقيق**

## ۱- بیان مسأله

مبحث کانونی این رساله سه گونه فهم و طبعاً واکنش‌های متفاوتی است که روحانیت حوزه علمیه قم با مدرنیته داشته است. این فهم‌ها، حکایت از این گزاره قیاسی و بدیهی دارد که هنگامی که ذهن به پدیده‌ای توجه می‌کند آن را یا نفی می‌کند یا می‌پذیرد، یا بخشی از آن را نفی و بخشی را می‌پذیرد.<sup>۱</sup> بر این اساس، هنگامی که مدرنیته در جهان زیست روحانیت ظاهر شود، به سادگی نادیده گرفته نمی‌شود، بلکه روحانیت نیز به عنوان کنش‌گری فعال با آن هم‌افق شده و نسبت به آن موضع می‌گیرد. برخی از روحانیون کلیت مدرنیته را به چالش می‌کشند و در مقابل آن مقاومت می‌ورزند، برخی به پذیرش بسیاری از مؤلفه‌های آن تن می‌دهند و گروه سوم ضمن مقاومت در قبال مفهومی به نام غرب‌گرایی، بنا به الزامات عمل جنبه‌هایی از مدرنیته را می‌پذیرند.

این تقسیم‌بندی که به نوعی بر استدلالی قیاسی و استقرایی تکیه دارد گرچه ساده به نظر می‌رسد اما برآیند پژوهش ما در حوزه علمیه قم نشان می‌دهد که روایت و واکنش روحانیت در قبال مدرنیته بر همین تقسیم‌بندی حمل شده است. این سه گونه فهم و واکنش نظری متفاوت در حوزه علمیه قم پس از انقلاب اسلامی را می‌توان در سه جریان مهم ذیل، توصیف و بررسی کرد:

۱- جریان نخست، جریانی است که در برابر مدرنیته مقاومت می‌ورزد و بنوعی کلیت آن را به چالش می‌کشد. این جریان، خود شامل چند تیپ فکری دز درون حوزه علمیه قم است که هر یک از منظری متفاوت به مدرنیته نگاهی سلبی دارد. روحانیون سنتی یا نسک‌گرایان حوزه علمیه قم، فرهنگستان علوم اسلامی و نیز افراد همسویی مثل مهدی نصیری، در اینکه مدرنیته را به چالشی فراگیر کشانده و یا به آن بی‌اعتناد هستند، چشم‌اندازی مشترک دارند. با این تفاوت که سنتی‌های قم از قبیل آیت الله دهرسخی، صدیقین اصفهانی، رستگاری جویباری و سید تقی طباطبایی، از تجدد و جهان بیرون از تفکر سنتی خود بی‌اطلاعند و چون همواره میل به تکرار سنت دارند از تجدد می‌گریزند و با آن مخالفت می‌ورزند. این در حالی است فرهنگستان علوم اسلامی و نیز نیروهای همسو با سنت از مدرنیته و دنیای جدید، اطلاعات نسبی دارند و تا حدودی سر از آگاهی با آن مخالفت می‌ورزند، هر دو مدرنیته را پدیده‌ای شرّ و بدعت آخرالزمان می‌دانند، اما فرهنگستانی‌ها در صدد ایجاد تمدنی اسلامی و انحلال تمدن غرب در الگوی خویش‌اند. در حالی که برخی، ضمن گریزی نظری از مدرنیته، آرزوی تمدنی بدیل را به عصر ظهور

۱. مسعود پدرام، روشن‌فکران دینی و مدرنیته، در ایران پس از انقلاب، تهران: گام نو، ص ۷.

حضرت حجت(ع) حواله می‌دهد و تا پیش از آن، کلیت تجدد را از باب اکل میته و تن دادن به ضروریات فقهی می‌پذیرد. با این همه نصیری در روی گردانی نظری خود از مدرنیته، به آغوش سنتی‌های قم بازمی‌گردد و به همان ظاهر روایات مورد علاقه آنان تمسک می‌جوید و از تأملات فلسفی و پی‌گیرانه فرهنگستان علوم اسلامی در هماوردی با مدرنیته فاصله می‌گیرند.

۲- جریان دوم، جریانی است که تفکر دینی و کنونی حوزه‌های علمیه را به علت ابتناءش بر منقولات روایی، ناکارآمد می‌داند و می‌کوشد با نگاهی نقادانه و خردورزانه به میراث اسلامی، دین را عصری نماید. خروج این جریان از چارچوب‌های رسمی شیعه و شورش آن علیه حوزه‌ای که آن را حدیث‌محور می‌انگارد، ضمن آن که خود را با سایر جریانها درگیر می‌سازد به نوعی با خردورزی نوین پیوند می‌خورد و زودتر از جریان‌های دیگر حوزوی با مدرنیته هم‌افق می‌شود. در این جریان می‌توان به آراء و نظریات آیت الله صالحی نجف‌آبادی، آیت الله صادقی تهرانی و افراد دیگری همچون عباس یزدانی، نویسنده «عقل فقهی»<sup>۱</sup> و شیخ احمد قبانچی<sup>۲</sup> و محسن کدیور اشاره کرد.

۳- جریان سوم، جریانی است که ضمن مقاومت در قبال پاره‌ای از جنبه‌های غرب‌گرایی، ولی با تکیه بر الزامات زمان و مکان، می‌کوشد تفکر دینی را با برخی از ارکان تجدد به هم‌نهادی برساند. آنچه در مواجهه‌ی این جریان با غرب، اهمیت می‌یابد پدیده غرب‌زدگی است که می‌کوشد شرق را از شرقیت‌اش تهی کند. مراد این جریان از غرب‌زدگی نه نفی کلیت دنیای جدید بلکه مقابله با نگرشی است که خواهان اکتساب هویت غربی است. واژه غرب‌زدگی نزد این جریان بر خلاف آل احمد در مفهوم اقتصادی‌اش تقلیل نمی‌یابد و مفادی گسترده‌تر دارد. شخصیت هرمنونیک این جریان، حضرت امام خمینی و طبعاً بسیاری از شاگردان‌اش می‌باشند که بتدریج در سالهای پس از انقلاب اسلامی به روایت‌های مختلف اما همدلانه‌ای از اندیشه‌های آن فقید دست یافته‌اند. گروهی از شاگردان آن فقید همانند آیت الله محمد هادی معرفت و آیت الله فاضل لنکرانی، از هم‌نهادسازیهای امام خمینی حمایت ورزیده و حاکمیت مردم که ویژگی جمهوری است با خداسالاری مکنون در نظریه ولایت انتصابی فقیه را ناسازگار نمی‌پندارند و تعامل سنت و تجدد در گفتمان استاد خویش را الگوی خود می‌انگارند. در مقابل گروهی دیگر از شاگردان امام، همچون آیت الله منتظری، یوسف صانعی و صالحی نجف‌آبادی تلاش می‌کنند با طرح نظریه ولایت انتخابی فقیه، تعبیری سازگار از ولایت با جمهوریت، ارائه و از غلتیدن آن به سمت دولتی غیر دموکراتیک جلوگیری بعمل آورند، در واقع این گروه با پذیرش بیشتری از الزامات جدید، می‌کوشند به قلمرو هم‌نهادسازی دین و دنیای مدرن، گسترش دهند. در مقابل این دو روایت، آیت الله مصباح یزدی قرار دارد که روند هم‌نهادسازی و پذیرش الزامات مکرر، را نشانه زوال تفکر و میراث اسلامی می‌داند و می‌کوشد با برملا ساختن کید دنیای جدید از چنین میراثی محافظت بعمل آورد.

قائل شدن به چنین تقسیم‌بندی برای روحانیت حوزه علمیه قم، به یک اعتبار فرا رفتن از تقسیم‌بندی‌های رایج و دوگانه روحانیت به سنتی و نوگراست. این فرازوی نه تلاشی دلخواهانه که پیامد بررسی دقیق آثار و منش روحانیت کنونی حوزه علمیه قم در مواجهه با مدرنیته است. به طور کلی می‌توان روحانیت را بر اساس سه مؤلفه‌ی متمایز، طیف‌بندی کند، این سه مؤلفه عبارتند از: (۱) فهم از

۱. عباس یزدانی، العقل الفقهی، ترجمه احمد القبانچی، عراق: دارالمنصور، بی‌تا.

۲. نویسنده آثاری متعدد از جمله، خلافة الامام علی(ع)، المرأة المفاهیم و الحقوق، نظرات فی الحکومه والدين والمجتمع المدني، العقل الوجدانی و نظریة المعرفة.

دین ۲) فهم از تجدد ۳) نسبت و مناسبات روحانیت با قدرت در جمهوری اسلامی. طیف‌بندی روحانیت بر اساس مؤلفه اول و سوم گرچه با مؤلفه تجدد، در پاره‌ای از موارد تداخل پیدا می‌کند اما توصیف جداگانه آنها، در فهم برخی از مسائل کنونی روحانیت که در لابلای این رساله به آنها اشاراتی رفته است، مساعدت شایانی می‌کند.

۱- **روحانیت و فهم‌های مختلف از دین**، بر اساس این مؤلفه می‌توان روحانیت را چنین طیف‌بندی کرد:<sup>۱</sup>

الف- روحانیون سستی که معمولاً تفسیری فردی - عبادی از دین دارند و علاقه‌ای به گسترش مباحث فقهی از مسایل عبادی و فردی به اجتماعی ندارد. اینها گرچه تحولات مربوط به انتقال قدرت در انقلاب اسلامی را در حاشیه دیده‌اند با این همه، همانند نسل پیش از انقلاب، بر همان دیدگاه‌های سستی و فردگرایانه خود تأکید می‌ورزند. در واقع اینان، مرکز معنایی متن حوزه و مقید به سنت فکری و تاریخی عصر شیخ عبدالکریم حائری به این سو در حوزه‌اند.

ب- روحانیونی که اساساً به دین جنبه اجتماعی می‌بخشند و از نگاهها فردی - عبادی به دین فاصله می‌گیرند. این گروه به دو طیف عمده نیز تقسیم می‌شود:

۱. طیفی که از منظری فرهنگی به مسایل اجتماعی می‌نگرد و علاقه‌ای به پیوند دادن مسایل به سیاست نیست. دغدغه‌ی نخستین این طیف، دین و به نوعی مصلحت دین را بر مصلحت دولت مقدم می‌شمارد. در این طیف می‌توان به آراء و نظرات آیت الله شریعتمداری، ناصر مکارم شیرازی، جعفر سبحانی و شیخ علی صفایی حائری اشاره کرد.

۲. طیفی که علاوه بر دیدگاه‌های فرهنگی، به مسایل سیاسی، اعم از داخلی و خارجی، اهمیت می‌دهد و خود به دو گروه عمده تقسیم می‌شود: ۱) گروهی که جذب حکومت شده و در ارکان مختلف جمهوری اسلامی به تصدی‌گری اشتغال دارند. ۲) گروهی که خارج از قدرت، دغدغه‌های اجتماعی و سیاسی خود را پی‌گیری می‌کنند. برخی از افراد این گروه، همان نوگرایان نسل اول حوزه علمیه قم‌اند که منشوراتی مثل نشریه‌ی حوزه را منتشر می‌کردند. همانند ابوالفضل شکوری، سید عباس صالحی و عبدالرضا ایزدپناه. برخی دیگر بخاطر تعلق خاطری که به سستی‌ها دارند نه علاقه‌ای به طیف نوگرای حوزه دارند و نه هم مسایل نوپیدای عصر جدید را پی‌گیری می‌کنند؛ همانند آیت الله آذری قمی، سید محسن خرازی و حسین راستی کاشانی. هر چند پاره‌ای دیگر مثل آیت الله علی مشکینی، احمد جنتی، سید حسن طاهری خرم‌آبادی و ربانی املشی، علاقمند به گفتگوهای جدید و حمایت‌گر نسل نواندیش حوزه به حساب می‌آیند.

۲. **مناسبات روحانیت و قدرت در جمهوری اسلامی**: بر اساس این مؤلفه می‌توان روحانیت کنونی را چنین طیف‌بندی کرد.

الف- روحانیون در قدرت که به سه گروه راست‌گرایان، چپ‌گرایان و ارزش‌گرایان قابل شناسایی‌اند.  
ب- روحانیون فارغ از قدرت که خود به چهار گروه؛ ۱) روحانیون محافظه‌کار ۲) روحانیون مخالف نظریه ولایت فقیه یا حامی نظارت فقیه ۳) انقلابیون منتقد و ۴) انقلابیون مخالف، تقسیم می‌شوند.

---

۱. گفتگو با حجت الاسلام و المسلمین سید محمد ایازی، فروردین ۱۳۸۵.



اما آنچه در این رساله اولویت یافته و معیار ما در طیف‌بندی روحانیت شده است، همان مواجهه‌ای است که روحانیت با مدرنیته داشته و دارد. در واقع فهم و واکنش او در قبال تجدد، در بر گیرنده تأثیراتی است که هم بر معرفت دینی او می‌نهد و هم تا حدودی به موضع‌گیری‌اش در قبال جمهوری اسلامی شکل می‌بخشد.

## ۲\_ اهداف، فایده و اهمیت تحقیق

۱. آنچه بر ضرورت بحث از مواجهه روحانیت با تجدد تأکید وافر دارد، پیوند خوردن سرنوشت جامعه ایران به حیات و افت و خیز طبقه روحانیت است. روحانیت، گذشته از حضور گسترده‌ای که در ابعاد عملی جامعه مؤمنان دارد و آموزه‌های فقه، او را این چنین در زندگی آنان درگیر می‌سازد، ارزش‌گذاری و داوری او در باره مفاهیم و مسائلی که در جامعه می‌گذرد، بر سرنوشت عمومی جامعه تأثیر می‌گذارد و حیات و ممات جامعه را به نوعی به خود پیوند می‌زند. روحانیت بر خلاف سایر طبقات اجتماعی، حضوری هر زمانی و هر مکانی در جامعه دارد و می‌تواند بر اساس تفسیری که از دین و دنیای پیرامونی خود ارایه می‌دهد به دین و دنیای مردم قبض و بسط دهد و تنوع و پویایی و یا ایستایی در ذات خود را به جامعه منتقل سازد. از این رو، سامان یا آشفتگی دین و دنیای مردم، بسته به فهم و تفسیری دارد که روحانیت از آن ترویج می‌کند. روحانیت علاوه بر فهمی که از دین ارایه می‌کند به فهمی از دنیای جدید نیز می‌رسد که همواره مقید به سنتی است که در درون آن زندگی می‌کند. این سنت الزاماتی برای مواجهه او با مدرنیته فراهم و بر نوع موضع و نسبتی که در قبال آن اتخاذ می‌کند، تأثیر زیادی می‌نهد. در واقع او، با هر روایتی از تعامل سنت و مدرنیته برسد، بر برون رفت و یا تطویل دوره گذار جامعه ما تأثیر عمیقی می‌گذارد. به همین دلیل است که به نظر برخی از اندیشمندان، امید به تغییر و تحول در جامعه ایران، بسته به نوع فهمی از دین و دنیای مدرن است که در میان روحانیت رخ می‌دهد. همین مسأله ما را قانع می‌کند تا برای فهم تحولات فکری - سیاسی ایران جدید تنها بر تفکر روشنفکری بسنده نکنیم و آگاهانه، برای درک چنین تحولاتی نیز به سراغ روحانیت رویم.

۲. معمولاً تصور می‌شود که روحانیت کنونی ایران از اندیشه‌ای یک دست برخوردار است. در این اثر می‌کوشم تا علاقه‌مندان به مباحث اسلامی را از افتادن در این دام معرفت‌شناسی و روش‌شناسی برحذر دارم که روحانیت را یک پارچه و حداکثر در ثنویت دین‌داران سنتی و نوگرایان دینی و یا دو گروه؛ روحانیت در قدرت و خارج از قدرت، خلاصه نکنند و به آبشخورها، پیش‌دانسته‌ها، مقبولات پیشین، استدلالات و نتایج متفاوت آنان در مواجهه با نص و تجدد توجه نمایند. ضرورت چنین توجهی به روحانیت از آنجا برمی‌خیزد که اولاً فهم اندیشه‌ی اسلامی در دوره جدید، در گرو فهم اندیشه روحانیت است. اگر تاکنون برای بسیاری از پژوهشگران، روشن فکران دینی بازتاب‌کننده تمام عیار اندیشه اسلامی به حساب می‌آمدند، این نوشتار مدعی انحنا و این بازتاب‌کنندگی از روشن‌فکری به سمت روحانیت است. گرچه دولت دینی در ایران پس از انقلاب اسلامی، بازگوکننده تمامیت روحانیت نیست و روحانیت نیز به دلیل گرایش‌های متنوعی که در درون خود دارد نمی‌تواند دولت دینی را آینه تمام‌نمای تفکر خود بداند، با این همه، اندیشه ولایت فقیه، تفکری است که از دل روحانیت برخاسته و بر شانه آنان تداوم یافته است. این روحانیت است که هم به نظام سیاسی جهت می‌دهد و هم بر آن بی‌مهری می‌ورزد و هم از آن انتقاد می‌کند، هم می‌تواند توده‌ها را به حمایت از این نظام بسیج کند و هم می‌تواند با روشن فکران منتقد و یا مخالف نظام به ائتلافی ناخواسته برسد. از این رو، فهم روحانیت که خود مبتنی و

متوقف بر شناخت صورت بندیهای فکری و سیاسی درونی آن است، ما را در شناخت ساختار تفکر سیاسی دوره جدید از ایران یاری می‌رساند.

۳. در پرتو انقلاب اسلامی، آثار بیشماری درباره مذهب شیعه و روحانیت ایران منتشر شده است. با این همه مروری بر ادبیات موجود، نشان می‌دهد که داوریه‌های واقع بینانه و جامعی از مسایل و اندیشه روحانیت کنونی ایران وجود ندارد. برخلاف پیش بینی‌های اولیه، در انقلاب ایران، اسلام به ایدئولوژی غالب مبدل گشت و روحانیت توانست با تأسیس دولتی مبتنی بر آرمانهای خود، حاکمیت خویش را برقرار سازد، کاری که روشن فکران نتوانستند پس از ورود مشروطه به ایران به انجام رسانند. دولت مداری روحانیت، آنچنان اهمیت یافت که برخی از پژوهشگران عرب، آن را آغاز دوره‌ی جدیدی از تفکر اسلامی دانستند و به تأثیرات مثبت آن بر جریان عمومی اندیشه اسلامی صحنه نهادند.<sup>۱</sup> با این همه، علی‌رغم اینکه واقعه شکوهمند انقلاب اسلامی، جایگاه و نقش روحانیت را ارتقا بخشید اما همواره مطالعه خود روحانیت، تحت الشعاع مطالعات مربوط به انقلاب اسلامی قرار گرفته است. ورود به حوزه مطالعات مربوط به روحانیت می‌تواند ابعاد مختلفی به خود گیرد شاید فهم روحانیت از منظر مواجهه آن با تجدد، بتواند بخشی از مطالعات انجام نشده درباره روحانیت را. سامان دهد و روند تحولات کنونی در ایران را بازشناسی کند.

### ۳\_ سوال اصلی و پرسشهای فرعی

بر این اساس می‌توان پرسش‌های این رساله را چنین مطرح کرد: الف) پرسش اصلی این رساله که جنبه تفهم و تفسیری (Hermenutics) دارد، آن است که روحانیت حوزه علمیه قم چه فهم و نسبتی با تجدد دارد؟

ب) سؤالات فرعی:

- ۱) روحانیت از درون چه سنت و تاریخی به مواجهه با تجدد رسیده است؟
- ۲) عوامل معده فهم او را از تجدد چیست؟
- ۳) روایت و فهم او از تجدد واجد چه خصائص و ویژگیهایی است؟ آیا فهم او در دوره‌ی جدید، دچار چرخش شده و یا اینکه هنوز نیز مقید به تاریخ و سنت گذشته خویش آن را می‌فهمد؟
- ۴) و بالاخره اینکه چگونه می‌توان روحانیت را بر اساس مؤلفه تجدد، طیف‌بندی و جریان‌شناسی کرد؟

### ۴\_ فرضیه پژوهش

هر چند ارائه فرضیه، میراثی از اندیشه‌های اثبات‌گرایانه دارد<sup>۲</sup> و هرمنوتیکی فهمیدن، فهم را واقعه و رخدادی می‌داند که در برابری دیالکتیک بین مفسر و متن اتفاق می‌افتد. با این همه، بیان فرضیه زیر جهت روشن شدن مسیر پژوهش مساعدت شایانی می‌کند:

فهم روحانیت از مدرنیته نه امری دلخواهانه بلکه مقید به سنتی است که تفکر او در درون آن شکل گرفته است. با این همه، امروزه روحانیت، تا حدودی بر خلاف سالهای قبل از

۱. زکی میلاد، تحولات و خط سیر اندیشه اسلامی معاصر، ترجمه محمد جمعه امینی، نشریه علوم سیاسی، شماره ۲۰، صص ۱۱۷ و ۱۱۸.

۲. سید صادق حقیقت، توزیع قدرت در اندیشه سیاسی شیعه، تهران: هستی‌نما، ۱۳۸۱ ص ۱۴.

انقلاب، از الگوی واحدی در باب داوری در باره غرب پیروی نمی کند و به تنوع و تفاوت‌های متکثری از فهم غرب نائل شده است.

هـ\_ مفاهیم کلیدی پژوهش  
مهم‌ترین مفاهیمی که در فرضیه فوق بکار رفته‌اند عبارتند از:

#### ۱. روحانیت

بدست دادن تعریفی جامع از روحانیت - که تنوعات و تحولات درون سازمانی آن را توضیح دهد - وظیفه‌ای بسیار دشوار است. امروزه در جامعه ایران، روحانیون را به اسامی مختلفی همچون آخوند، شیخ، ملا و عمامه به سر می‌شناسند و طبعاً با اطلاعاتی که از سلسله مراتب درون سازمانی آن دارند آنان را به ترتیب، آیت الله العظمی، آیت الله و حجت الاسلام می‌شناسد. آخوند در زبان فارسی بمعنی دانشمند، پیشوای دین و معلم است که نخستین بار به مثابه عنوانی احترام‌آمیز در دوره تیموریان به کار رفت و بعدها نیز در همین معنا بکار رفت. مثلاً در دوره قاجاریه به مشهورترین فقیه یعنی کاظم خراسانی، آخوند خراسانی می‌گفتند. البته روحانیون در گذشته القاب دیگری مثل ملاباشی و صدر داشتند که امروزه کاربرد ندارد. صدر، عنوانی دولتی بود که دولت صفوی به برخی از روحانیون اعطا می‌کرد و موظف بود تمام امور و نهادهای مذهب را زیر نظر خود گرفته، علماء و روحانیون را هدایت و راهنمایی کند. پس از او سلسله مراتبی از روحانیون به نام مدرسین، شیخ الاسلام، پیش‌نمازهای مساجد جامع، قاضیان، متولیان و حافظان قرار داشتند<sup>۱</sup>. در ورای دولت، گروه مجتهدان قرار داشتند که صرفاً واجد قدرت معنوی بودند و سرچشمه قدرت آنها، قرابتشان به نصوص دین و توانایی آنها در تفسیر این نصوص بود. گذشته از مجادلات نظری در این باره که آیا اساساً نهادی به نام روحانیت در اسلام وجود دارد یا نه؟ باید پرسید روحانی کیست و چه ویژگیهایی دارد؟ در پاسخ به این پرسش، می‌توان از رویکرد نمادگرایانه در تعریف روحانیت بهره جست، در این رویکرد روحانی به نماد آن یعنی نوع لباسی که بر تن دارد شناخته می‌شود. همچنانکه اذان، نماد اسلام، صلیب، نشان مسیحیت و پرچم، نماد یک کشور است، عبا و عمامه، نماد روحانیت است. نماد علاوه بر اینکه معنای خود را می‌نمایاند درجه حضور و حیات آن معنا را در جامعه بیان می‌کند و همچنان که امام صادق (ع) فرمود: تا کعبه باقی است دین پایدار است<sup>۲</sup>، در اینجا نیز قوام روحانی بودن بسته به تلبس به این نماد است. بویژه آن که انجام کارویژه اصلی روحانیت یعنی بیان احکام شرعی، منوط به وجود این نماد می‌باشد. از این رو، نماد توسعه دهنده فکر و ایده روحانیون است که در هر کوه و برزن، موجودیت خود را اعلام می‌دارد و پیام خود را به مخاطبین آشنا و غریب منتقل

۱. James Bill, Thi politic of Iran, class and Modernizain, columbia, Bell & mowell co, ۱۹۷۲, p. ۲۱۱.

۲. محمدبن یعقوب کلینی، الاصول من الکافی، ج ۴، تهران: مکتبه الصدوق، ۱۳۸۱ ق، ص ۲۷۱.

می‌سازد.<sup>۱</sup> بنا به همین کار ویژه‌های نماد است که رویکرد نمادگرایانه، تمایز لباس روحانی از سایر اقشار و اصناف جامعه را یک ضرورت می‌داند.<sup>۲</sup> با این همه می‌توانستناثاتی بر این رویکرد یافت و نشان داد که عالمان دینی غیرملبس به کسوت روحانیت کم نیستند، همچنانکه غیر عالمان ملبس به این لباس کم نخواهند بود. بویژه آنکه پس از انقلاب مشروطه به این سو، همسانی بین تیپ اجتماعی روحانیون بهم ریخته است. در دوره رضاخان، برخی از روحانیون، لباس را درآورده و به عضویت عدلیه درآمدند، همچنانکه در دو دهه اخیر نیز پاره‌ای از معممین، بنا به دلایل منزلتی و یا محدودیت‌های اجتماعی، متلبس به لباس روحانیون نیستند. امروزه تعداد بیشماری از فارغ التحصیلان حوزه به حساب می‌آیند اما کسی آنان را به عنوان روحانی خطاب نمی‌کند اما به لحاظ متدولوژیک روحانی‌اند و به جهت مراجعه به نص و تعهد به سنت حوزه، روحانی قلمداد می‌شوند. از این رو می‌بایست با اندکی تسامح در رویکرد نمادگرایانه، آن را به گونه‌ای تعریف کنیم تا بهم ریختگی تیپ اجتماعی روحانیون در سالهای اخیر، مورد غفلت قرار نگیرد و ما را در بررسی جریان‌شناسی حوزه علمیه قم دچار مشکل نکند. به همین دلیل با افزودن قید «اغلب» در تعریف علی‌مطهری از روحانیت، آن را چنین تعریف می‌کنیم.

*«روحانیت افرادی هستند که در حوزه‌های علمیه تحصیل کرده و رشد یافته‌اند و رسالت تبلیغ دین را بر دوش خود احساس می‌کنند و البته پارسا و [اغلب] ملبس به کسوت روحانیت می‌باشند.»<sup>۳</sup>*

با این همه باید در تعریف روحانیت نیز به چیزی توجه کنیم که روحانیت به سبب آن، یک خود جمعی تعریف می‌کند و در برابر تهدیدات بیرونی از خود دفاع می‌کند، برای این خود، قداست و اهمیت قائل است، بزرگانی را به منزله مقدس علمی و عملی خود بر می‌گزیند، از الگوی عمومی فکری و ذهنی نسبتاً واحدی پیروی می‌کند و آن الگوی را عین دین و حق می‌شمارد و تخطی از اصول فکری صنفی را تخطی از دین می‌انگارد و بالاخره اینکه از منابع خاصی مثل سهم امام ارتزاق می‌نماید.<sup>۴</sup>

## ۲. تجدد

از آنجا که این رساله می‌کوشد تا فهم روحانیت از مدرنیته را روایت کند رسالت چندانی برای تعیین مفهوم این واژه ندارد. در واقع هرمنوتیک، بینشی روش‌شناسانه است تا فهم روحانیت از تجدد را به فهم ما درآورد نه اینکه روایتی از مدرنیته، تصدیق و سپس تصور روحانیت از آن را مورد ارزیابی قرار دهد. با این همه، اشاراتی در این باب، بویژه نمادها و ارکان برخاسته از مدرنیته که معمولاً روحانیت در قبال آنها موضعی صریح دارد ما را در بررسی مواجهه روحانیت با دنیای جدید یاری می‌رساند. واژه مدرن (modern) به معنای امروزی و جدید است، مفهوم مدرن در خلال قرن ۱۵ مقارن با دوره رنسانس، در نقطه مقابل «وسطی» قرار داشت و با مفهوم «باستان» هم‌آغوش بود. در این دوره به فرهنگ یونان باستان به مثابه یک فرهنگ جدید یا همواره جدید نگریسته می‌شد. در مرحله بعد، این مفهوم از تعهد و التزام به باستان‌گری، جدا و معنای نوآوری و امروزی بودن به خود گرفت و صریحاً با مفهوم سنت

۱. محمد عالم‌زاده نوری، لباس روحانی، چراها و بایدها، قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۴، ص ۹-۱۱.

۲. محمدرضا چیت‌ساز، تاریخ پوشاک ایرانیان، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها، ۱۳۷۹، ص ۹۰.

۳. بنقل از: عبدالکریم سروش، حریت و روحانیت، کیان، سال ۵، شماره ۲۴، ص ۲.

۴. همان، ص ۳.